

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بیان تاریخی اراده قاطع توده های میلیونی در نفی رژیم «ولایت فقیه»

آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم «ولایت فقیه» علی رغم خواست عظیم توده ها به انجام تغییرات دموکراتیک، مصمم است به سیاست های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییر اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه ما باشد. پیام خامنه ای پس از انتخابات و سخنان رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران خارجی و انکار خواست آشکار مردم برای تغییر سیاست های ضد مردمی، نشانگر این تمایل رژیم و سران آن است. امروز در مقابل امید و آرزوهای توده های میلیونی مردم، همان افراد و نهادهایی ایستاده اند که در ۱۸ سال گذشته با خیانت آشکار به آرمان های انقلاب بهمین - آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی - جامعه ما را به لبه پرتگاه کنونی سوق دادند و چنین شرایط دهشتناکی را به مردم میهن ما تحمیل کردند.

با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، قوه قضائیه، صاحبان ثروت های هنگفت غارت شده طی سال های پس از انقلاب، صاحبان اهرم های عمده اقتصادی، کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی دلال، روحانیت حاکم و در رأس آنان «ولی فقیه» نتیجه این رأی گیری را به ضرر و در نفی خود می بینند، باید منتظر درگیری ها و برخوردهای حاد میان توده های عظیم رأی دهنده و مجموعه راست گرا و تاریک اندیش رژیم «ولایت فقیه» بود.

بهر تقدیر این شناخت روز افزون مردم میهن ما از تجربه تلخ زندگی دشوار و اسارت بار در حکومت تاریک اندیش و واپسگرا است که آنان را در چارچوب شرایط تحمیلی رژیم سرکوبگر به شیوه های مقاومت و مقابله ممکن با آن سوق می دهد. افشاگری کل رژیم «ولایت فقیه» به این شناخت و آگاهی کمک مؤثر می نماید و فشار سازمان یافته توده ها لحظه تعیین سرنوشت میهن ما را که امری جز نفی و طرد رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» نمی تواند باشد، نزدیک تر می کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۵ خرداد ماه ۱۳۷۶

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری رژیم «ولایت فقیه» در شرایط ادامه حکومت استبدادی، غیر قانونی بودن کلیه احزاب و سازمان های سیاسی، صنفی و دگر اندیش، در نبود آزادی و در شرایطی که شورای نگهبان به هیچ نامزد مستقلاً اجازه شرکت در انتخابات را نداد برگزار شد. در شرایط نبود یک آئین نامتوسو روشن و دموکراتیک در مقابل رژیم استبدادی حاکم، انتخابات برای مردم میهن ما به انتخاب میان گرایشات موجود در درون رژیم «ولایت فقیه» محدود شده بود.

حزب توده ایران از مدتها پیش ضمن تحلیل این شرایط و بررسی دو گرایش عمده در درون رژیم، تفاوت میان آنها را در چارچوب «چگونگی برخورد به آینده نظام» ارزیابی کرده بود و در این زمینه به درستی تأکید نموده بود: «در حالی که ناطق نوری و شرکاء معتقد به تشدید سرکوب و فشار و در مجموع «اسلامی تر» کردن همه جانبه حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور هستند و خواهان بسط سیاست هایی مانند اسلامی کردن دانشگاه ها، تشدید فشار علیه زنان و غیره می باشند، طرفداران خاتمی معتقدند که می بایست برای جلوگیری از انفجار، فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را کمی باز کرد...» (نامه مردم شماره ۵۰۵ - ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶).

در چنین شرایطی و در حالی که مراکز پر قدرت رژیم در هرم رهبری آن مانند «ولی فقیه»، شورای نگهبان، حوزه علمیه قم (علی رغم برخوردهای درونی)، جامعه روحانیت مبارز و بخش مهمی از رهبری روحانیت، ناطق نوری (نماینده جناح حاکم) را به عنوان نامزد «اصلاح» و مورد تأیید خود معرفی کردند و رأی دادن به نامبرده را «وظیفه شرعی» مردم اعلام کردند، توده های عظیم خلق علی رغم شرایط غیر دموکراتیک تحمیل شده ضربه قاطعی را به گردانندگان رژیم ولایت فقیه زدند و با رأی خود مخالفت آشکار و صریح خود را با «ولایت فقیه» و سیاست های ضد مردمی اش به روشنی اعلام کردند. رأی ۲۰ میلیونی مردم را می بایست در واقع به مثابه رفراندومی علیه ادامه استبداد و رژیم «ولایت فقیه» ارزیابی کرد.

روز جهانی کودک و شرایط دشوار کودکان در کشور ما

برگزار می شود. منشور دهگانه سازمان ملل متحد دولت های جهان را موظف به دفاع از حقوق کودکان می داند و به روشنی اعلام می کند: «کودک از لحظه هستی دارای حقوقی است که جامعه موظف به شناسایی آن است و از آنجا که کودکان به علت ناتوانی جسمانی و فکری قادر به دفاع از حقوق خود نیستند، توجه به حقوق

ادامه در ص ۳

۱۱ خرداد روز جهانی کودک است. چهل و هشت سال پیش به ابتکار «فدراسیون دموکراتیک زنان جهان»، روز اول ژوئن (۱۱ خرداد)، برای جلب افکار عمومی نسبت به سرنوشت کودکان و مبارزه در راه احقاق حقوق پایمال شده آنان، روز جهانی کودک نامگذاری شد و هر ساله از سوی نیروهای مترقی و انساندوست این روز به مثابه روز تجدید عهد با ادامه مبارزه در این راه

نامه مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۰۷، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱۳ خرداد ۱۳۷۶

مقاله رسیده از ایران

نظر سنجی که ارکان رژیم را لرزاند

«... هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با شرکت بی سابقه مردم در آن برگزار شد. حضور بسیار گسترده جوانان و کسانی که برای نخستین بار به صندوق های رأی گیری می آمدند و زنان در این انتخابات بسیار چشمگیر بود. با اعلام شروع انتخابات از ماهها پیش نگرانی روی کار آمدن ناطق نوری به عنوان نماینده ارتجاعی ترین و ضد مردمی ترین جناح رژیم سراسر ایران را فرا گرفته بود و به حق مردم روی کار آمدن ناطق نوری را با حاکم شدن طالبان در افغانستان مقایسه می کردند و نگرانی از تشدید همه جانبه سرکوب، تزییقات و فشار خصوصاً علیه زنان و جوانان این اقشار از مردم را فعالانه به عرصه مبارزه علیه ناطق نوری و بخش

ادامه در ص ۶

مصاحبه خاتمی با رسانه ها در ص ۲
سازمان تأمین اجتماعی و منافع طبقه کارگر در ص ۲
خصوصی سازی و پیامدهای آن در ص ۵
تحریرات شوم امپریالیسم و صهیونیسم در خاورمیانه در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



مصاحبه دکتر خاتمی با خبرنگاران داخلی و

خارجی

دکتر محمد خاتمی، در نخستین مصاحبه مطبوعاتی پس از انتخابات در مورد مسایل گوناگون نظرات خود را بیان کرد که نظر به اهمیت آن بخش هایی از آن را در اینجا نقل می کنیم.

● در پاسخ به سؤال پیرامون روابط رییس جمهور با مجلس شورای اسلامی:

«نظام ایران اسلامی نظام جا افتاده ای است. دستگاه ها در جایگاه قانونی خود قرار دارند و در رأس این نظام رهبری است و من فکر نمی کنم با مشکلی مواجه شوم. مجلس شورای اسلامی و هیأت رئیسه کنونی آن خواهان سربلندی ایران اسلامی هستند و یقیناً هر دستگاهی در جایگاه قانونی خود با مشکلی مواجه نخواهد شد...»

● در پاسخ به رأی ۲۰ میلیونی مردم برای تضمین آزادی های مدنی:

«من به این میزان رأی افتخار می کنم و به همان اندازه احساس وظیفه سنگینی می کنم. اما این رأی، رأی اعتماد مردم به نظام، رهبری و انقلاب بود و نشانه این مهم است که مردم با هوشیاری در عرصه سرنوشت خود حضور دارند. رأی مردم در حقیقت رأی به نظامی بود که ارزش والایی برای آن قایل هستند زیرا که این انقلاب را به بهای سنگینی بدست آوردند و حاضر نیستند به سادگی از آن دست بردارند. نظام ما یک نظامی است که آزادی در آن جایگاه والایی دارد و همه مردم قدرت انتخاب دارند... انتخابات ما مشارکت و انتخاب در درون نظام بود و نه اعتراض به نظام، و از این پس نیز مشارکت مردم تقویت خواهد شد...»

● در پاسخ به این سؤال که پس از ولی فقیه آیا هاشمی رفسنجانی همچنان فرد دوم مملکت است

آقای هاشمی رفسنجانی از چهره های برجسته انقلاب اسلامی هستند و در هر کجا که باشند این مقام معنوی بالا را برای ما خواهند داشت اما بطور رسمی رییس جمهور مقام دوم را دارا است و دولت آینده نهایت استفاده را از نظریات و تجربه های ایشان خواهد کرد. از نظر رسمی رهبری در رأس نظام هستند. در نظام مدیریت کشور، وحدت حکمفرما ست و قوای مقننه، مجریه و قضائیه تحت نظر رهبری، با در نظر گرفتن حدود قانونی خود، عمل می کنند. آقای هاشمی همواره به عنوان امین عزیز رهبری و پشتوانه دستگاه های

مختلف، حقیقتاً تمامی توان خود را در اختیار نظام قرار داده و خواهند داد...»

● در پاسخ به پرسش پیرامون اعطای آزادی های بیشتر به مردم به ویژه آزادی های مدنی

«البته در هر جامعه ای که امنیت و قانونمندی حاکم باشد، تمام آزادی ها در چارچوب نظام تعریف شده خواهد بود... قانون اساسی چارچوب های آزادی ها را مشخص کرده و حقوق شهروندان را در نظر گرفته است و حد آن این است که آزادی مخل مبانی اسلام نباشد. اجرای قانون اساسی جز در مواردی که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، از مهمترین وظیفه های رییس جمهوری است... برنامه های ما پذیرش تنوع و تکثر در درون نظام و قانون و وحدت و همبستگی در برابر تهدیداتی است که از بیرون متوجه نظام است...»

● در مورد شرکت زنان در کابینه

«... خبرنگاران خارجی می توانند با مقایسه وضع زنان با کشورهای همسایه، دست آوردهای انقلاب زنان را مشاهده کنند... هیچ مانعی برای حضور زنان در بالاترین رده های مدیریت کشور نمی بینم...»

خامنه ای برای دلجویی و تقویت ناطق نوری به مجلس رفت

به بهانه هفدهمین سالگرد تأسیس مجلس شورای اسلامی، خامنه ای روز چهارشنبه ۷ خردادماه به مجلس رفت و در سخنان خود ضمن دلجویی از ناطق نوری از جمله گفت: «اینجانب از یکایک نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مخصوصاً از جناب آقای ناطق نوری رییس محترم مجلس تشکر می کنم و امیدوارم مجلس در همین جهت به حرکت خود ادامه دهد... به دلیل وضع خوب مجلس و مدیریت قوی و سالم آن، مجلس شورای اسلامی نه تنها مایه تشمت و تشنج مردم نیست بلکه با عملکرد خود در مردم ایجاد آرامش می کند... تبلیغات رسانه ای دشمنان اسلام طبق معمول خود، سعی کرده از حضور چشمگیر مردم در پای صندوق های رأی، عیبی را درست کند و انتخابات را به عنوان اعتراض و انتقاد مردم وانمود کند، اما رییس جمهوری محترم و منتخب مردم در مصاحبه خود پاسخ دندان شکنی را به دشمنان داد... نامزدهای ریاست جمهوری متعلق به نظام اسلامی بودند و ضمن دفاع از آن برای خطوط اصلی نظام اسلامی شعار دادند، اما دشمن در تلاش است حرکت متحدی را که به نفع جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، به یک دعوا، تنازع و تنافس تبدیل کند بنابراین همه مردم و به ویژه نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید هوشیار باشند و ممانعت از تحقق اهداف دشمن شوند...»

رفسنجانی: من عمده کارهایی را که می خواستم انجام دادم

رفسنجانی، روز دوشنبه ۵ خرداد، یک روز

پس از اعلام نتایج انتخابات، در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی از جمله گفت: «من عمده اهدافی را که اوایل کار اعلام کردم انجام دادم ولی مواردی هم بود که انجام آن میسر نشد در هیچ جای دنیا فردی نیست که بتواند تمام آرزوهای خود را تحقق بخشد... در زمینه سیاست های کلی ما در مجمع تشخیص مصلحت بحث می کنیم آقای خاتمی هم در مجمع خواهد بود نظرات ما با تأیید رهبر انقلاب تصویب می شود و رسمیت پیدا می کند و من به کابینه آقای خاتمی کمک خواهم کرد... همه چیز در ایران آرام و منسجم است احتیاج به آشتی ملی نیست، شما اگر صحنه های انتخاباتی را منصفانه نگاه کنید، خواهید فهمید که در ایران چه تفاهمی وجود دارد. البته اختلاف سلیقه و نظر هم وجود دارد... من با حضور زنان موافقم و فکر می کنم الان سطح فکری و معنوی خانم ها به حدی رسیده که بعضی از آنها می توانند در سمت های طراز اول حضور یابند...». رفسنجانی در انتهای مصاحبه خود در مورد مسوولیت جدیدش به عنوان رییس مجمع تشخیص مصلحت از جمله اضافه کرد: «سه وظیفه مشخص برای مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده، رفع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، حل مشکلاتی که قوانین عادی و مقررات جاری نتواند آنها را حل کند و سوم مشاورت رهبری. قانون اساسی می گوید رهبر، نخست سیاست ها را با مجمع تشخیص مصلحت به مشورت می گذارد و بعداً اعلام می کند که این تا بحال عمل نشده و جذبداً ایشان تصمیم گرفته اند که چنین روندی اعمال شود...»

آمار وزارت کشور در مورد انتخابات

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی وزارت کشور اعلام کرد که در جریان هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، ۲۹ میلیون و ۷۶ هزار و هفتاد رأی به صندوق ها ریخته شده بود که این تعداد ۸۸/۱۱ درصد کل افراد واجد شرایط برای رأی دادن می باشد. بر اساس همین گزارش این میزان شرکت مردم در انتخابات پس از فرماندوم قانون اساسی که در آن بیش از ۹۸ درصد مردم شرکت کردند بیشترین تعداد رأی دهندگان را به سوی خود جلب کرده است. از میان ۲۹ میلیون رأی ریخته شده به صندوق ها به ترتیب سید محمد خاتمی با ۲۰ میلیون و ۷۸ هزار و ۱۷۸ رأی ۶۹/۰۵ آراء را به خود اختصاص داده است. آراء بقیه نامزدها به ترتیب زیر بوده است: ناطق نوری ۷ میلیون و ۲۴۲ هزار، زواره ای ۷۷۱ هزار و ۴۶۰ رأی وری شهری ۷۲۲۵۹۸ رأی را به خود اختصاص داده اند. بر اساس همین گزارش ها ۲۴۰ هزار و ۹۶۶ رأی باطله به صندوق ها ریخته شده است و در خارج از کشور نیز ۶۷۸۳۱ نفر در انتخابات شرکت کرده اند که از این میان ۵۰۳۴۲ نفر به خاتمی رأی داده اند.

در پی اعلام آخرین نتایج رأی گیری ها وزارت کشور اعلام کرد که هیچگونه شکایتی در مورد انتخابات دریافت نکرده است و بدنبال این گزارش شورای نگهبان در نخستین جلسه خود پرونده انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری را بررسی و صحت آن را مورد تأیید قرار داد.

ادامه روز جهانی کودک ...



آنان در حیظه وظایف دولت ها است. علی رغم این منشور میلیون ها کودک در سراسر جهان از کشورهای پیشرفته سرمایه داری تا کشورهای عقب مانده و در حال توسعه در شرایط دشوار و دردناکی زندگی می کنند. بر اساس آمارهای بین المللی بیش از ۸۰ میلیون کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در شرایط غیر انسانی به کارهای شاق مشغولند، ۳۰ میلیون کودک در خیابان ها می خوابند و روزانه ده ها هزار کودک از گرسنگی و بیماری هلاک می شوند. افزون بر این بر اساس گزارش یونیسف در آستانه سال ۱۹۹۶ میلادی، «در جنگ های گوناگون در سراسر جهان در ده سال گذشته، [از جمله جنگ خائمانسوز ایران و عراق] بیش از دو میلیون کودک قربانی شده اند. ۴ تا ۵ میلیون دچار نقض عضو گردیده اند؛ ۱۲ میلیون کودک آواره و بی خانمان؛ ۲۰ میلیون کودک یتیم و بی سرپرست و ۱۰ میلیون کودک دیگر نیز دچار اختلالات روانی و روحی شده اند و زندگی و آینده آنان تباہ گردیده است.»

وضع کودکان در کشور ما نیز وضع دشوار و دردناکی است. صدها هزار کودک ایرانی در سایه رژیم ضد مردمی ولایت فقیه در شرایط تشدید و گسترش فقر و عقب ماندگی با دشواری های عظیمی روبرو هستند. اعزام کودکان خردسال به جبهه های جنگ در طول تمامی هشت سال جنگ ایران و عراق برای پاکسازی میدان های مین، که به کشته شدن، مجروح و یا علیل شدن هزاران کودک و نوجوان میهن ما منجر گردید در کنار عدم برنامه ریزی روشن برای تأمین آموزش، بهداشت و مسکن، ابعاد دهشتناک و بی تفاوتی شرایطی را نشان می دهد که از سوی رژیم به کودکان میهن ما تحمیل شده است. اگرچه در زمینه سرنوشت کودکان در ایران آمار دقیق و قابل اتکایی وجود ندارد، معذالک از لابلای اخبار و گزارش های روزنامه ها می توان تصویر نسبتاً دقیقی در این زمینه بدست آورد. بر اساس آمار رژیم میزان مرگ و میر کودکان در کشور ما به دلایل گوناگون، از جمله گرسنگی، بیماری، جنایت و غیره به بیش از ۱۳۰۰۰۰ کودک در سال بالغ می شود. بر اساس همین آمارها نزدیک به دو میلیون کودک، نوجوان و کارگر زیر سن قانونی در ایران وجود دارد که در شرایط بسیار دشوار و غیر انسانی استثمار می شوند و با حقوق ناچیز تنها به منظور کمک به درآمد خانواده خود به کار مشغولند. و بر اساس گزارش سال ۱۹۹۳ یونیسف، ۴۳٪ از کودکان زیر پنج سال ایران که تعداد آنان بیش از ۴ میلیون تخمین زده می شود از سوء تغذیه رنج می برند و دچار کم وزنی هستند.

کمبود امکانات آموزشی ده ها هزار کودک ایرانی را از سوادآموزی و امکان ساختن آینده ای بهتر محروم می کند و در نبود یک ساختار سالم دولتی - اجتماعی هزاران کودک اسیر ناهنجاری های اجتماعی مانند مواد مخدر و فحشاء می شوند. مبارزه برای احقاق حقوق پایمال شده کودکان میهن ما بخش جدایی ناپذیری از مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما است که تمامی نیروهای مترقی از جمله توده ای ها برای آن پیکار می کنند.

گرامی باد روز جهانی کودک!

ادامه توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم ...

مانورها که ۴ استان را در بر خواهد گرفت موشک های زمین به هوا، ضد کشتی، زمین به زمین آزمایش خواهد شد. صفوی گفت: «اگر اسرائیل را کنار بگذاریم، ایران موثرترین موشک ها را دارد». با بهره گرفتن از اظهارات گزافه گویانه صفوی، آدمیرال اسکات رد، فرمانده پیشین مرکز ناوگان پنجم آمریکا که در بحرین مستقر است صحبت از جدی بودن خطر ایران به میان آورد. ارگان های رسمی رژیم فقط به تهدید کشورهای منطقه بسنده نکرده بلکه هدف عملیات خود را ایالات متحده اعلام می کنند. کیهان بین المللی در ۷ اردیبهشت اشاره کرد که مانور «طریق القدس» برای فرستادن علامتی به ایالات متحده بوده است: «اوضاع فعلی ایجاب می کند که ایران یک پیامی را به واشنگتن بفرستد که هرگونه ماجراجویی نظامی علیه ایران ممکن است عواقب غیر قابل پیش بینی ای داشته باشد». رضایی، فرمانده سپاه پاسداران از این هم پیش تر رفت و گفت «ما می توانیم که تنگه هرمز را بازنگهداریم... ولی اگر ما بخواهیم می توانیم آن را به روی هر کسی که مانعی ایجاد کند ببندیم». رضایی بدون توجه به اینکه محور امپریالیستی و صهیونیستی و ارتجاع منطقه با علاقمندی و خشونتی اظهارات او را دریافت و توجیهی برای سیاست گذاری های خود می کنند گفت: «ما ثابت کرده ایم که هرگاه هر کس بخواهد که در خلیج فارس عدم امنیت به وجود بیاورد، مبارزان ما قادرند که حرکات آنها را خیلی سریع خنثی کنند... ما نشان دادیم که... قادریم هم علیه آمریکا در جنوب بجنگیم و هم اگر کسی بخواهد که از این حمله آمریکا استفاده بکند که از مرزهای غربی به ما حمله کند، ما همچنین قادر هستیم که آنجا هم حاضر باشیم و آن حرکت را نیز شکست بدهیم».

ژنرال بیفورد پی، فرمانده کل مرکز فرماندهی نظامی ایالات متحده آمریکا که از کشورهای خلیج فارس و شورای همکاری خلیج (فارس) بازدید می کرد در روز ۲۰ اردیبهشت در بحرین گفت اگر تهدیدی مبنی بر بستن تنگه صورت بگیرد، آمریکا «اقدام فوری» خواهد کرد. او اضافه کرد: «ایالات متحده در اطمینان پیدا کردن از اینکه این تنگه باز خواهد ماند، بازیگر عمده خواهد بود». او در اشاره مشخص به اظهارات رضایی گفت: «من می توانم به شما اطمینان بدهم که ما تصمیم داریم که این تنگه را باز نگهداریم و هیچ کشوری نباید هیچگونه تهدیدی در این منطقه بسیار با اهمیت ایجاد کند».

تهدیدات ایالات متحده و متحدان استراتژیک آن در قالب اسرائیل و ترکیه آن قدر جدی هستند که کشورهای عربی و خاورمیانه را شدیداً نگران کرده است. مصر، عراق، لبنان، لیبی، سوریه و فلسطین و همچنین تمامی ۲۲ کشور لیگ عرب در رابطه با مانورهای پیشنهادهی سه جانبه بین اسرائیل - ترکیه و ایالات متحده اظهار نگرانی کرده اند. امر موسی، وزیر خارجه مصر گفت: «عکس العمل هایی وجود خواهد داشت و ما دلایل انتخاب محل و همچنین مقاصد آنها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. اگر خیال مانورهایی با هدف فرستادن پیام مشخص به اعراب باشد. بدون شک آن ها منبع نگرانی خواهند بود». سوریه نیز این مانورها را به عنوان فشار اسرائیل و ایالات متحده برای مجبور کردن آن به بازگشت به پروسه صلح که از فوریه گذشته به دلیل سرسختی اسرائیل معوق مانده اند، تلقی می کند. البعث، روزنامه ارگان حزب حاکم بعث سوریه نوشت که هدف اتحاد سه گانه «نه تنها دفن کردن پروسه صلح می باشد بلکه همچنین متوجه کسب دست آوردهای جدید به ضرر اعراب و منافع حقه آنها است».

خلق های منطقه هیچ سودی از تشدید نظامی گری در منطقه و برنامه های ائتلاف امپریالیستی، صهیونیستی نخواهند برد. نیروهای مترقی باید با کارزار همه جانبه ای مانع از شروع جنگ و ماجراجویی نظامی دیگری در خاورمیانه و در منطقه خلیج فارس بشوند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

سازمان تامین اجتماعی و منافع

طبقه کارگر ایران

اعلام کنم سازمان نسبت به مابه التفاوت ۲۳ درصد، ضعیف تر شده است. باتوجه به اینکه در بخش درمان افزایش بودجه ای از ۱۱ میلیارد تومان در سال ۱۳۷۰ به ۱۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۷۵ داشته ایم ولی متأسفانه نمی توانیم ادعا کنیم به همین میزان افزایش کیفیت داشته ایم...!!! در این رابطه و برای اینکه سیمای واقعی این فاجعه دردناک بهتر آشکار شود، توجه به آمار یکی از اعضای هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی، دکتر باطنی، در مورد مراکز درمانی این سازمان مهم می باشد؛ او گفته است: «سازمان تامین اجتماعی در کل کشور حدود ۲۳۰ مرکز درمانی دارد. در مقایسه این آمار با جمعیت تحت پوشش سازمان مذکور، می توان به خوبی عدم دسترسی زحمتکشان به دارو و درمان و پزشک و بیمارستان را دید! و این در حالی است که بیمارستانهای سراسر کشور حتی دولتی از خانواده های تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی، علاوه برداشتن دفترچه بیمه پول مطالبه می کنند.

روزنامه سلام در تاریخ ۳۰ تیرماه سال جاری در گزارشی پیرامون سازمان تامین اجتماعی، سخنان عده ای از کارگران رادرج نمود، توجه به این سخنان پرده از ریاکاری و کارگرسیزی مدافعان ولایت فقیه برمی دارد: یکی از کارگران می گوید: «۸ سال بیمه ما وزارت جهادسازندگی پرداخت نکرد ولی از حقوق ما کم کردند... برای گذاشتن دندان سه روز از جاده ساوه می آیم و جواب نمی دهند، امروز آمده ام می گویند برو پنج روز دیگر بیا...» کارگر دیگری اعلام می کند: «من یک کارافتاده تامین اجتماعی هستم و میزان حقوق دریافتی من ۲۳ هزار تومان است، دوفروز ندم دارم، با هزینه های سرسام آور زندگی چگونه می توانم هزینه زن و بچه هارا تامین کنم، مسوولان خط فقر را ۶۸ هزار تومان گفته اند، پس چگونه ضریب حقوقی من ۲۳ هزار تومان است...». کارگر جوانی معترضانه می گوید: «از طرف سازمان تامین اجتماعی نظارتی به کارهای ما بیمه شدگان نیست، برای مرخصی ها، ساعات کار و پرداخت حق بیمه کنترلی نیست... مدتی است برای دریافت دفترچه بیمه به تامین اجتماعی مراجعه کرده ام می گویند حق بیمه شما را پرداخت نکرده اند و کارفرمانی می گوید اشتباه شده، حال مانده ام چه کنم... از ما حق بیمه کم می کنند ولی موقعی که بیماری شویم ۷۰ تا ۸۰ درصد حقوق به ما پرداخت می کنند...». اینها نمونه های کوچکی از شرایط سیاهی است که رژیم ولایت فقیه بر زندگی و سرنوشت کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است.

افزون بر اینها، در سال های اخیر، گزارش های گوناگونی از حیف و میل وسو استفاده از امکانات مالی سازمان تامین اجتماعی بازتاب یافته است. نمونه افشاء شده آن در سال ۱۳۶۴، بدون هیچ دلیل وبدون اطلاع کارگران، سازمان تامین اجتماعی یک وام ۲۰۰ میلیون تومانی به «کمیته امداد امام» پرداخت کرد!!! دولت نیز درصد بزرگی از محل درآمدهای این سازمان مالیات کسر می کند. مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در اوایل فروردین ماه در مصاحبه با روزنامه اطلاعات متذکر شد: «در هیچ جای دنیا از درآمدهای تامین اجتماعی که باید صرف بهبود بیمه شدگان شود مالیات کسر نمی شود، اما متأسفانه در کشور ما حدود ۵۴ درصد مالیات از سازمان تامین اجتماعی کسر می شود...». در عین حال تاکید بر برخی جنبه های قانون تامین اجتماعی کارگران که توسط رژیم به سلسله قوانین آن افزوده شده حائز اهمیت است. از جمله براساس ماده ۸۲ قانون تامین اجتماعی جمهوری اسلامی، اگر زنان کارگر که نظیر مردان در تمام مدت اشتغال حق بیمه پرداخت کرده اند، به دلیلی فوت شوند، مستمری وحقی برای بازماندگان آنها مقرر نمی شود. یعنی زنان کارگر با وجود پرداخت مرتب حق بیمه از دست رنج و زحمت خود؛ پس از مرگ مبلغی که باید به فرزندان و یا وارثان آنان پرداخت گردد، محروم هستند. سازمان تامین اجتماعی که قانونا باید بار مالی کارگران شاغل را پس از فوت تامین کند، در صورت فوت یک کارگر زن حتی برای فرزندان و بازماندگان و خانواده او قابل نیست. این درحالیست که زنان کارگر هر ماه از دستمزد خود پول به صندوق این سازمان واریز می کنند و باید گفت از محل همین سرمایه ها است که ارگانهای مختلف حکومتی بطور غیرقانونی هزینه های خود را می پوشانند، در حالی که صاحبان واقعی آنها از این حق

طی ماههای اخیر، زمزمه های فراوانی پیرامون امکان ادغام سازمان تامین اجتماعی در کمیته امداد امام، در محافل مختلف درون و بیرون حاکمیت ونیز برخی رسانه های همگانی به گوش می رسد. رژیم کارگرسبزی ولایت فقیه، از آنجاکه از جنبش اعتراضی کارگران هراس دارد، قادر نیست یکباره و به سرعت این طرح ارتجاعی و ضد ملی را عملی سازد و از این رو ابتدا با شیوه های گوناگون از جمله آماده سازی روانی کارگران ومحیط های کارگری نظیر همین مطرح نمودن غیر مستقیم ادغام، مبادرت می کند. سازمان تامین اجتماعی، یکی از دستاوردهای طبقه کارگر میهن ماست، کارگران ایران با مبارزات درخشان و متحد خود، در دهه های ۲۰ و ۳۰ خورشیدی، رژیم سلطنتی را وادار کردند، در سال ۱۳۲۸ بر پایه ماده ۱۶ قانون کار مصوبه آن دوره به ارگانی باوظایف تامین اجتماعی قانونیت ببخشند! به دنبال آن در تابستان ۱۳۴۵ خورشیدی زیر فشار نیرومند جنبش کارگری قانون تامین اجتماعی با ۱۸ ماده و ۴۰ تبصره به شکل امروزی آن به تصویب رسید. در حال حاضر، سازمان تامین اجتماعی، بر پایه آمار موجود نزدیک به ۵ میلیون نفر بیمه شده راتحت پوشش خود قراردادده است و به لحاظ دارایی های خود که از دستمزد کارگران گردآورده یک نهاد اجتماعی وسیع می باشد.

سازمان فوق، براساس قوانین خود ماهیانه معادل ۳۰ درصد از دستمزد کارگران که شامل، ۷ درصد کارگران، ۲۰ درصد کارفرما و ۳ درصد دولت است به عنوان حق بیمه کسر می کند. جالب اینجاست که به اعتراف صریح منوچهرین جمهوری اسلامی سال ها است، دولت سهم ۳ درصدی خود را در قانون مربوط به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکرده و پیوسته از قبول آن امتناع می کند. رقم بدهکاری دولت به سازمان تامین اجتماعی و در واقع به کارگران و زحمتکشان کشور که صاحبان اصلی این نهاد هستند بیش از ۱۴۵ میلیارد تومان است، افزون بر این کارفرمایان بویژه در بخش خصوصی با انواع دستاویزهای ضد کارگری از پرداخت سهم ۲۰ درصدی خود سرباز زده و می زنند. همین عوامل در کیفیت و برنامه های سازمان تامین اجتماعی تاثیر نامطلوب و اسفبار که مستقیماً با زندگی زحمتکشان پیوند دارد، برجای گذاشته است.

رژیم ولایت فقیه در ارتباط با سازمان تامین اجتماعی، دیدگاه و عملکرد به شدت وایسگرایانه ای را داراست؛ در مهرماه امسال، دولت بدون در نظر گرفتن وضعیت جامعه و تدارک پیش زمینه های عملی و به سود جامعه، قانونی راتحت عنوان گسترش تامین اجتماعی و خدمات و بیمه های همگانی به تصویب رساند. این قانون به جای اینکه باعث پدید آمدن یک سیستم فراگیر ملی تامین اجتماعی شود، بدون توجه به منافع زحمتکشان بسط داده شد و سبب سقوط و فروپاشی امکانات ومحدوده عمل سازمان تامین اجتماعی موجود شد؛ که بیش از همه به زیان کارگران تمام گردید. دولت به این ترتیب تعرفه ها و فرانشیز را به شورای عالی بیمه همگانی سپرد. تصویب این قانون که در خدمت کارفرمایان و در راستای اجرای سیاست تعدیل اقتصادی صورت گرفت، از همان ابتدا اعتراضات کارگری را برانگیخت، فشار کارگران سبب شد حتی تشکلهای به اصطلاح کارگری موجود که در خدمت رژیم قرار دارند، نیز ناگزیر به انتقاد از این قانون شدند. یکی از مواد اصلی، سیاست ضد کارگری رژیم ولایت فقیه که در زمینه تامین اجتماعی اثرات فاجعه آمیز دارد، عدم تناسب اصولی بین سطح دستمزد کارگران و نرخ تورم در جامعه است. شورای عالی کار جمهوری اسلامی که رسماً وظیفه تعیین پایه و میانگین دستمزد کارگران را بر عهده دارد، تاکنون با اتخاذ روشی ضد کارگری، حدود دستمزدها را به مراتب پائین تر از نرخ رشد تورم محاسبه و اعلام کرده است.

به بیان روشن میزان دستمزد و مزایای کارگران فاصله ژرفی با تورم واقعا موجود دارد و از آنجاکه حق بیمه نیز بر مبنای دستمزد تعیین می گردد، تاثیر ویرانگری بر سطح نازل بیمه و تامین اجتماعی کارگران میهن ما گذاشته است. در این رابطه سخنان مدیرکل سازمان تامین اجتماعی حکایت از ژرفای فاجعه دارد: وی در مصاحبه ای با نشریه کار و کارگر اعلام داشت: «... اگر دستمزد واقعی برای کارگران به تصویب نرسد، سازمان هرساله ضعیف ترمی گردد، همین امسال ۲۳ درصد افزایش حقوق داشته ایم در مقابل پنجاه درصد تورم! بنده باید

سیاست خصوصی سازی و برخی پیامدهای آن

در این گزارش از جمله قید گردیده: «... سازمان در اجرای قانون خصوصی سازی مصوب ۱۳۷۰/۳/۲۹ موفق شد تا پایان سال ۱۳۷۴ سهام برخی شرکت های زیر پوشش به ارزش ۱/۲۸۲/۲۲۵ میلیون ریال واگذار کند به نحوی که مجموعه شرکت های تحت پوشش این سازمان از ۳۱۲ واحد درباری امر خصوصی سازی به ۹۰ واحد در پایان سال ۱۳۷۴ تقلیل یافت، فرایند واگذاری شرکت ها به سه روش پیش بینی شده در قانون مربوطه یعنی مزایده، مذاکره و فروش سهام در بورس صورت گرفت...» چنین حجمی آنهم فقط در سازمان صنایع ملی ایران، به خوبی نمایانگر نیات و اهداف رژیم ولایت فقیه در ارتباط با صنعت و رشد تولیدی در پیروی از دستورات اکید صندوق بین المللی پول می باشد. جدول فوق که در رابطه با اجرای برنامه خصوصی سازی در سازمان صنایع ملی ایران تنظیم شده کم و کیف این سیاست و روشهای مورد استفاده در واگذاری سهام دولتی به بخش خصوصی در فاصله سال های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ را نشان می دهد.

طبق جدول فوق از جمع کل ۱/۲۸۲/۲۲۵ میلیون ریال، عمده ترین روش در واگذاری سهام شیوه مذاکره بوده است و روشن است طرف های این مذاکره چه کسانی هستند و چه منافعی را به جیب می زنند. در ارتباط با سیاست خصوصی سازی، چندی پیش مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی، بخش هایی از یک بررسی در مورد عملکرد بخش خصوصی پس از تصاحب سهام دولتی در صنایع ملی ایران را انتشار دادند. در بخشی از این بررسی اعلام می شود: «... از نظر مالکیت، بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی در اکثریت شرکت های واگذار شده (مورد مطالعه) و بررسی دارای اکثریت سهام است یعنی بخش خصوصی مالک عمده و اصلی به شمار می آید...» از ۴۲۱ شرکت مورد مطالعه از ۱۴۳ واحد واگذار شده سازمان صنایع ملی ایران، تولید ۵۰ درصد شرکتها پس از واگذاری تغییر نکرده است؛ میزان صادرات ۷۲ درصد شرکت های مورد مطالعه هیچ رشدی نداشته است...! بر اساس این بررسی به دلیل دوشاخص، افزایش تولید و توانائی صادراتی توان تشخیص داد که برخلاف ادعاهای توخالی جمهوری اسلامی سیاست تعدیل و بخش مهم آن یعنی خصوصی سازی به هیچ رو کارآمد و موفق نبوده نیست. بر بنیاد چنین رکود ناشی از واگذاری بخش دولتی به بخش خصوصی است که مرتضی محمدخان وزیر اقتصاد ادعای رژیوم ولایت فقیه در گردهمایی مدیران منتخب سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی طی سخنانی که خبرگزاری جمهوری اسلامی در تاریخ ۳۰ مهر ماه سال جاری آنرا منتشر کرد از جمله گفت: «... احداث کارخانه هایی با ارزش ۷۰۰ ریالی و تامین نیازهای ارزی و ریالی، به دلیل حاکمیت تفکر سودنگری (بخش خصوصی دلالت) این واحدها با پایبندی نگاه داشتن تولید، زمینه را برای افزایش قیمت و در نهایت کسب سود کلان آماده می کنند... هم اینک این واحدها کالاهایی را تولید می کنند که مورد نیاز عموم جامعه نیستند، بلکه مختص افراد متمول است... بسیاری از واحدهای صنعتی با کاهش تولیدات موجب افزایش قیمت ها می شوند...». افزون بر این در مورد افت تولید، کمبود نقدینگی واحدهای صنعتی و مسایل ارزی، روزنامه اطلاعات بین المللی در تاریخ پنجشنبه ۱۷ آبان ماه قسمت هایی از گزارش روابط عمومی وزارت صنایع از ابتدای برنامه اول تا اوایل سال ۱۳۷۵ را درج نمود. از جمله در این گزارش آمده است: «... از اوایل سال ۱۳۷۵ تاکنون، متأسفانه هنوز روند نزولی صادرات صنعتی ادامه دارد. به طوری که میزان صادرات صنعتی در سه ماهه اول سال جاری نسبت به سه ماهه مدت مشابه سال قبل ۱۷ درصد کاهش نشان می دهد...» این افت در شرایطی صورت میگیرد که مسوولین رژیم ولایت فقیه به دلیل ورشکستگی مالی و سررسید زمان بازپرداخت بدهی های خارجی اعتراف می کنند که: «باید سهم صنعت در صادرات غیر نفتی به سه چهارم یعنی ۷۵ درصد افزایش یابد و ظرفیت سازی در بخش صنعت ضرورت جدی دارد تا سهم بخش صنعت از ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی به حداقل ۲۵ درصد افزایش یابد.» (نعمت زاده وزیر صنایع مصاحبه مطبوعاتی ۷ مهر ماه سال جاری) به این ترتیب آشکار است که به اصطلاح خصوصی سازی به منظور افزایش تولید و رشد توانایی صدور ارقام صنعتی بوسیله بخش خصوصی، یک ادعای بی پایه و کاملاً مغایر روند عینی موجود است بخش خصوصی که ثمره سیاست رژیم ولایت فقیه است، یک بخش خصوصی حریص، غیر تولیدی و شدیداً آزمند و غارتگر است

سیاست تعدیل اقتصادی که توسط رژیم ولایت فقیه در مهین ما در حال پیاده شدن می باشد، اثرات مخرب و فاجعه باری در کلیه زمینه ها برجای گذاشته است! فروپاشی اقتصادی، تضعیف بنیه مالی، بدهی های هنگفت خارجی، افت شدید تولید و ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی، گسترش بیکاری و ناهنجاری های اسفناک فرهنگی - اجتماعی از جمله نتایج اجرای این برنامه ضدملی است. در این باره سخنان علیرضا محبوب نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و رییس خانه کارگروابسته به رژیم ولایت فقیه پیرامون ورشکستگی و خانه خرابی تولیدکنندگان داخلی در سال های اخیر گویا و افشاگرانه است. وی در جلسه علنی روز ۱۳ آبان امسال در مجلس یاد آور شد: «... عدم حمایت از صنعتگران کوچک سبب شده که در سال ۱۳۷۲ فقط در تهران ۹۰ هزار نفر در واحدهای کوچک کار خود را از دست داده اند...». این سیاست که بوسیله نهادهای قدرتمند سرمایه داری جهان بویژه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به جمهوری اسلامی دیکته شده، دارای جنبه و محورهای گوناگونی است، یکی از عمده ترین جوانب این نسخه ها، سیاست خصوصی سازی می باشد که تحت عناوین رنگارنگ از سوی مقامات جمهوری اسلامی تبلیغ می شود. خصوصی سازی در صنایع کشور و بطور کلی در امور صنعتی و تولیدی دامنه وسیع پیدا کرده است. برخلاف تبلیغات پرسروصدا و وارونه جلوه دادن حقایق از سوی رژیم ولایت فقیه، کلیه آمار و ارقام انتشار یافته حکایت از روند منفی تولید در کارخانه ها و شرکت های واگذار شده به بخش خصوصی دارد؛ به این معنا که خصوصی سازی به هیچ وجه موفق نبوده و باعث رونق تولید و کای رایی صنعتی کشور نشده است. در کنار این روند نزولی، اخراج و باز خرید کردن نیروی کار یعنی کارگران، کارمندان و زحمتکشان توسط بخش خصوصی ابعاد خطرناکی یافته است. نخستین حرکت در زمینه خصوصی سازی و واگذاری سهام شرکت های دولتی و وابسته به دولت در سال ۱۳۷۰ خورشیدی آغاز شد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰، هیات دولت جمهوری اسلامی قانونی را به تصویب رساند که بر مبنای آن و در راستای اجرای سیاست موسوم به «تعدیل اقتصادی» در چارچوب برنامه اول توسعه، واگذاری سهام متعلق به دولت و سازمان های وابسته به آن به بخش خصوصی به مرحله عمل درآمد. رژیم ولایت فقیه و گردانندگان ریز و درشت آن، همواره در تبلیغات خود از خصوصی سازی با عناوینی نظیر «افزایش بهره وری در سطح خرد و کلان»، ایجاد امکان رقابت و افزایش کیفیت محصولات و خدمات و «رشد و بازدهی صنعت و تولید» یاد می کنند. آمار موجود و پژوهشهای انجام گرفته نشانگر این واقعیت است که اتفاقاً درست بر پایه چنین مضامینی، روند خصوصی سازی به شکست انجامیده و پیامدهای ناگواری پدید آورده است! در ارتباط با روند خصوصی سازی و سهام واگذار شده روزنامه ایران چاپ تهران به تاریخ چهارشنبه ۱۱ مهر ماه سال جاری در ویژه نامه ای تحت عنوان «بخش صنعت کشور» درباره اجرای خصوصی سازی، در سازمان صنایع ملی ایران گزارشی را به انتشار رساند.

سال	بورس	مزایده	مذاکره	جمع کل
۱۳۶۹	۱۰/۴۲۱	-	-	۱۰/۴۲۱
۱۳۷۰	۱۸۵/۳۹۲	۴۰۰	۲۷/۶۸۶	۲۱۳/۴۷۸
۱۳۷۱	۷۰/۷۲۳	۴۲/۲۵۵	۱۲/۱۸۲	۱۲۵/۱۶۰
۱۳۷۲	۸۴/۵۷۷	۱۱/۷۶۹	۶۴/۴۷۶	۱۶۰/۸۲۲
۱۳۷۳	۱۱۲/۳۶۲	۱۰۹/۷۶۲	۴۴۴/۳۹۹	۶۶۶/۵۲۳
۱۳۷۴	۹/۷۹۷	۴/۴۲۸	۹۱/۵۹۶	۱۰۵/۸۲۱
جمع کل	۴۷۳/۲۷۲	۱۶۸/۶۱۴	۶۴۰/۳۹۹	۱/۲۸۲/۲۵۵

منبع: سازمان صنایع ملی ایران - ارقام به میلیون ریال

ادامه سازمان تأمین ...

برخوردار نیستند!!! این نمونه «عدالت» مورد نظر رژیم ولایت فقیه است! با توجه به آنچه اشاره شد، روشن است، سازمان تأمین اجتماعی در چارچوب رژیم ولایت فقیه چه نقش و جایگاهی دارد. ادغام این سازمان با نهاد ارتجاعی و بوسیده ای مانند «کمیته امدادامام» که از زمره مراکز اصلی فساد مالی و چپاول ثروت ملی است و در راس آن نمایندگان باند حجتیه، رسالت، اشخاصی مانند عسکراولادی، امانی و دیگر بازاربانان دزدوغازتگر و تارکیر اندیش قرار دارند با هدف معین و برنامه ریزی شده ای صورت می گیرد. که نظیر دیگر سیاست های رژیم در جهت منافع سرمایه داران و تجار و بر ضد منافع و خواست کارگران و زحمتکشان است. این واقعیت به قدری آشکار می باشد که حتی تشکل های رژیم ساخته مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را در هراس از اوجگیری اعتراضات کارگری وادار به مخالفت با طرح ادغام کرده است.

طبقه کارگر ایران با مبارزات دشوار و طولانی خود سازمان تأمین اجتماعی را رسمیت بخشید و در مقابل انواع نظرات ارتجاعی و ضد کارگری همانند ادغام آن با نهادی ارتجاعی و ضد کارگری نظیر «کمیته امداد» در شرایط کنونی بر پایه دفاع از منافع طبقاتی خود مبارزه می کند و اجازه نخواهد داد سرنوشت و مقدرات او را مشتی تاریک اندیش و واپسگرا و خرافه پرست تعیین کنند.

لزوم مبارزه یک پارچه و متحد کارگران و زحمتکشان در برابر رژیم پوسیده ولایت فقیه و در راه طرد این دیکتاتوری ضد مردمی برای نیل به آزادی، پیشرفت و عدالت اجتماعی، بیش از هر زمان دیگری برای طبقه کارگر ایران مطرح است. جنبش اعتراضی کنونی کارگران علی رغم ضعف های اساسی و عدم یکپارچگی و سیطره اختناق مرگبار، نشانه روشن و گواه درخشان از مبارزه جوی و عزم راسخ آن برای احقاق حقوق و طرد رژیم ولایت فقیه است.

ادامه سیاست خصوصی سازی ...

این بخش توجهی به ملت و منافع ملی و ضرورت شکوفایی صنعتی ندارد و خواستار سود فراوان، بدون زحمت و در کوتاه ترین زمان ممکن است. در کنار این، بخش خصوصی با حمایت قاطع دولت دست به اخراج و باز خرید کردن در وسیع ترین شکل ممکن زده است. در واقع یکی از پیامدهای مخرب و هولناک در کنار افت تولیدی و رشد بخش خصوصی دلال همین اخراجها و تشکیک ارتش میلیونی بیکاران است. در بررسی که بدان اشاره شد (در مورد عملکرد بخش خصوصی) پیرامون اجرای سیاست تعدیل نیروی انسانی بعنوان مکمل خصوصی سازی می خوانیم: «اکثریت شرکت های واگذار شده با مشکل مازاد نیروی انسانی مواجه اند... تقریباً تمامی ۴۲ شرکت مورد مطالعه پس از واگذاری بطور متوسط ۱۵ درصد نیروی مازاد داشته اند و اکثریت آنها به نحوی در صد کاهش نیروی کار مازاد خود در آمده اند و برای کاهش نیروی انسانی خود عمدتاً از روش باز خرید و بعد از آن بازنشسته کردن استفاده کرده اند تا کمترین مشکلات قانونی را داشته باشد...».

مدیران و سرمایه داران بخش خصوصی با دستاویز قرارداد افزایش تولید و کم کردن هزینه ها بطور گسترده هزاران زحمتکش میهن مارا از کاربرکنار و به سمت صفوف بیکاران روانه نموده اند. به بیان روشن، تعدیل نیروی انسانی جزء جدایی ناپذیر و مهم سیاست ضد ملی خصوصی سازی است. در این مورد، مدیر گروه فلزی و ماشین آلات بنیاد مستضعفان بی شرمانه اعلام می کند: «... برخی واحدهای صنعتی حتی با ۵۰ درصد نیروی مازاد روبرو هستند که هزینه زاست... اکت تولید مدیران را بر سردوراهی قرار می دهد، پس تنهاری که برایشان باقی مانده ریتش نیرو (اخراج و باز خرید کردن) است!!!»

اخراج و باز نشسته کردن و کلا تعدیل نیروی انسانی آنچنان ابعادی یافته است که رژیم را وادار به چاره جویی به منظور جلوگیری از اعتراضات کارگری کرده است، مرتضی محمدخان وزیر اقتصاد در همین راستا خطاب به سرمایه داران بخش خصوصی یادآوری کرد: «اخراج کارگران برای کاهش هزینه تولید اشتباه است، قبل از این باید راههای دیگری برای کاهش هزینه ها پیدا کرد...».

به عبارت دیگر، این مقام دولتی هراس رژیم واپسگرای ولایت فقیه را از ابعاد پیامدهای احتمالی اعتراضات کارگران و زحمتکشان بیان می کند.

کوتاه سخن اینکه، آنچه به عنوان خصوصی سازی در چارچوب برنامه تعدیل اقتصادی در حال اجراست، نه تنها سبب رشد و بازدهی صنعتی نشده و ضعف و ناتوانی مالی را ترمیم نبخشیده است، بلکه در عمل باعث غارت و چپاول ثروت ملی به دست مشتی نوکیسه و تازه به دوران رسیده گردیده. تاوان این خیانت ملی را مردم میهن ما و در درجه اول کارگران و زحمتکشان ایران به بهای فقر و مسکنت خود می پردازند. رژیم ولایت فقیه در پیروی از نسخه ها و دستورات محافل امپریالیستی، ثروت و دارایی ملی را به حراج گذاشته و سقوط توانایی اقتصادی و لاجرم تضعیف امنیت ملی کشور را در یکی از حساس ترین ادوار تاریخ معاصر میدید آورده است و از این حیث جزنای سیاه و کارنامه ای خیانت بار در تاریخ ایران اثر و نشانی نخواهد داشت

ادامه نظر سنجی که ارکان رژیم را لرزاند ...

اساسی رژیم کشاند. از ماه ها پیش خصوصاً قبل از اعلام نامزدی دکتر خاتمی، برداشت همه این بود که ناطق نوری نامزد اصلی رژیم است. طرفداری ولی فقیه و هرم روحانیت از او جای شک و شبهه ای را برای کسی باقی نمی گذاشت که بخش اساسی از رهبری رژیم به چه کسی تمایل دارد و برای چه کسی تبلیغ و فعالیت می کند. سخنان ناطق نوری در بلوچستان که تلویحا اعلام کرد خامنه ای نیز او دفاع کرده است و عدم انکار این موضوع از سوی خامنه ای و سپس اعلام خبر دفاع حوزه علمیه قم از سوی روزنامه رسالت و جامعه روحانیت مبارز، بخش اساسی از رهبری روحانیت را پشت سر ناطق نوری قرار داد. ... برای ما روشن بود که انتخابات در شرایط کاملاً غیر دموکراتیک و تحمیل شده از سوی رژیم برگزار می شود. علی رغم نامزد شدن افراد مستقلی مانند دکتر پیمان، سبحانی و دیگران برای هیچکس این خوش بینی وجود نداشت که رژیم و ارگان های ارتجاعی آن مانند شورای نگهبان به هیچ نامزد مستقلی اجازه شرکت در انتخابات را بدهد و یا حتی اجازه دهد آنها تبلیغات انتخاباتی برای خود انجام دهند. یورش جاقو کشان حزب الله و ضرب و شتم طرفداران پیمان و سکوت کامل مطبوعات و رسانه های گروهی پیرامون نامزدهای غیر وابسته به رژیم حد و حدود آزادی انتخابات از سوی رژیم را روشن می کرد. بدین ترتیب برای اکثریت مردم موضوع انتخابات به ضرورت شکست دادن ارتجاعی ترین و واپسگرا ترین جناح رژیم خلاصه شده بود. نامزد شدن خاتمی که قبلاً توسط همین جناح از وزارت ارشاد کنار گذاشته شده بود و از سوی آنان به لیبرال بودن متهم می شد جای تردیدی را برای کسی پیرامون انتخاب میان نامزدهای انتخاباتی وابسته به رژیم باقی نمی گذاشت، ضمن اینکه ما با توجه به سوابق هجده سال گذشته هیچ خوش بینی کاذبی پیرامون خاتمی و اینکه او قادر باشد در چارچوب ولایت فقیه تغییرات اساسی ایجاد کند، نداشته و نداریم... در هفته های انتهایی انتخابات خصوصاً در پی برخی نظر سنجی های مخفیانه و درونی که توسط رژیم انجام گرفت (از جمله به صورت غیر مستقیم توسط شهرداری تهران و روزنامه هشتپدری)، و میزان تنفر مردم از ناطق نوری و امکان انتخاب خاتمی با بیش از ۷۵ درصد آراء روشن شد، نگرانی عمیقی هرم رهبری خصوصاً جناح حاکم حجتیه را فرا گرفت. تاکتیک های مختلفی از سوی این جناح برای ترساندن مردم در آخرین هفته های انتخابات به کار گرفته شد. سخنان مهدوی کنی پیرامون روحانیت و ماجرای مشروطیت که عمدتاً هدفش ترساندن نیروهای خودی بود در کنار فعالیت شدید ارگان های امنیتی برای ایجاد جو رعب و وحشت از خطر کودتا و خونریزی در صورتی که خاتمی انتخاب شود از جمله ترسناکترین بود که در این عرصه به کار گرفته شد. پخش نامه مشکوکی در تهران که گویا از درون مجلس بیرون آمده بود و در آن طرح توطئه کودتا توسط ژنرال و برخی دیگر تدارک دید شده بود گمان ما از سوی وزارت اطلاعات و با هدف مشخصی که در بالا به آن اشاره کردیم سازمان دهی شده بود... در روز انتخابات حوزه های رأی گیری غلغله بود، پیر و جوان، زن و مرد برای نه گفتن به رژیم ولایت فقیه و رهبران آن به پای صندوق های رأی آمده بودند با این شناخت که این حرکت مشخصاً برای جلوگیری از بدتر شدن وضعیت در کشور است. حرکت عظیم مردمی که در این عرصه صورت گرفت، خصوصاً برای سران رژیم غیر مترقبه بود، از چند روز پیش از رأی گیری که دیگر مشخص شد خاتمی با آراء زیادی انتخابات را خواهد برد، خامنه ای در سخنانی در حضور نمایندگان صدا و سیما ضمن دفاع علنی و تأیید سیاست های صدا و سیما در دفاع یکجانبه از ناطق نوری، گفت برای ما هیچ فرقی نمی کند که چه کسی در انتخابات پیروز شود چون همه نامزدها در چارچوب نظام حرکت می کنند علی رغم همه این مانورها و ژست هایی که سران رژیم در روزهای اخیر گرفته اند ابعاد شکست ناطق نوری به عنوان نامزد مشخص رژیم ولایت فقیه نظر سنجی بود که تمامی ارکان رژیم را لرزاند. جشن های شادی و پیروزی که پس از اعلام نتایج انتخابات در شهرهای مختلف و آنچه که ما شاهد آن بودیم در تهران برگزار شد، نشانگر عمق تنفر مردم از سران جمهوری اسلامی و تمایل کم نظیر توده ها به تغییر (هرچند کوچک) می باشد. حرکت این نیروی عظیم مردمی بی شک تجربه جالبی بود که اثرات مهمی در مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه برجای خواهد گذاشت. حرکت انتخاباتی در ایران آرزوها و تمایلات بی سابقه ای را برای آزادی و عدالت اجتماعی به حرکت در آورده است که در تناقض آشکار با خواست و اهداف رژیم حاکم است. هرم حاکمیت بر اساس تجربیات قبلی قاعدتاً می بایست به سمت سرکوب این تمایلات حرکت کند و به عبارت دیگر بیش از پیش در مقابل انبوه عظیم توده هایی قرار گیرد که این خواست را با رأی بیست میلیونی خود به طرز بی سابقه ای اعلام کردند. توده های به حرکت در آمده بیش از پیش به توان عظیم خود پی می برند و بهر صورت آینده آبدست تحولات مهم و سرنوشت سازی است که می بایست برای آن آماده شد...»

رویدادهای جهان



پیروزی چپ در فرانسه

نتایج دور اول انتخابات پارلمانی فرانسه حاکی از موفقیت درخشان احزاب سوسیالیست و کمونیست این کشور بود که با مبارزه پیرامون پلاتفرم دفاع از حقوق زحمتکشان توانستند نیروهای راست حاکم را در وضعیت دشواری قرار دهند. آلن ژوپه، نخست وزیر گلیست و غیره محبوب فرانسه در روز ۵ خرداد ماه از مقام خود استعفا داد. ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه، پس از مشورت با بقیه نیروهای راست، می خواهد برای جلوگیری از تکرار نتایج دور اول در دور بعدی انتخابات، یک نخست وزیر دیگر را به مردم معرفی کند تا شاید مردم را از رای دادن علیه ائتلاف حاکم باز دارد. ژوپه در روز بعد از انتخابات گفت: «رای دهندگان خطای جدی داده اند. یک تیم تازه باید شروع کند... برای موفق شدن، نیاز به اهداف دقیق داریم».

رهبر حزب کمونیست فرانسه، ربر هیو، گفت که توافق با حزب سوسیالیست برای یک اتحاد انتخاباتی برای دور بعدی و تشکیل دولت آینده ممکن است. رفیق هیو گفت که دو حزب می توانند روی مسأله اشتغال و مبارزه با بیکاری و نیز مسأله واحد بولی مشترک اروپا توافق کنند. حزب کمونیست فرانسه مخالف واحد بولی مشترک است و حزب سوسیالیست فقط در صورتی با آن موافقت دارد که یک موضع گیری جدید در مورد اشتغال و رفاه اجتماعی اتخاذ شود. جالب اینجاست که نیروهای راست در حالی این انتخابات پیش از موعد را فراخواندند که در پارلمان کنونی ۴۷۷ کرسی از مجموع ۵۷۷ کرسی را در کنترل دارند. پریزیدنت شیراک با درک این که مردم به شدت از نتایج سیاست های اقتصادی دولت ناراضی هستند، محاسبه می کرد که قبل از وخیم تر شدن اوضاع در یک سال آینده، بتواند یک اکثریت قابل اتکایی را برای احزاب راست کسب کند. این امر به موضع نیروهای راست فرانسه در قبال مذاکرات وحدت اروپا در اوایل سال ۱۹۹۹ کمک می کرد.

علت فاصله گیری مردم از احزاب راست سیاست های ضد کارگری دولت ژوپه است که در نتیجه آن میزان بیکاری از ۱۱/۵ درصد به ۱۲/۷ درصد افزایش یافته است. پلاتفرم حزب سوسیالیست در انتخابات ایجاد ۷۰۰/۰۰۰ شغل جدید و کاهش ۴ ساعت در میزان کار هفتگی

بدون کاهش دستمزد است. مجموعه احزاب چپ در دور اول ۴۴/۵۳ درصد آراء را به دست آوردند. احزاب راست ۳۶/۵۲ درصد و فاشیست ها حدوداً ۱۵ درصد آراء را بدست آوردند.

تهاجم جدید طالبان

بنیادگرایان ارتجاعی طالبان که از شهریور ماه گذشته بیش از دو سوم خاک این کشور را در کنترل دارند در هفته های اخیر با حملات دامنه دار و گسترده سعی بر شکستن جناح های مختلف نیروهای مخالف - که اکثراً در شمال افغانستان موضع گرفته اند - نمودند.

گزارش رسانه های خبری غرب حاکی از پیروزی های عمده طالبان در مزار شریف و نیز در منطقه بامیان می باشد. طالبان در روز ۳۰ اردیبهشت مدعی شد که نیروهای وابسته به آن کنترل گذرگاه استراتژیک سیبار را بدست آورده و به ۵ کیلومتری بامیان در منطقه مرکزی افغانستان رسیده اند که تاکنون تحت کنترل نیروهای مسلمان شیعه حزب وحدت اسلامی بوده است. آژانس خبری اسلامی افغانستان از قول سخنگوی طالبان گفت که نیروهای طالبان «هر لحظه می توانند وارد بامیان شوند».

یکی از مسایل مهم رخدادهای اخیر پیوستن برخی فرماندهان نظامی اپوزیسیون به نیروهای طالبان است که باعث بهم خوردن شدید محاسبات و برنامه ریزی ها در این نواحی شده است. در روز ۲۹ اردیبهشت ماه ژنرال عبدالملک، یکی از فرماندهان با نفوذ نیروهای اپوزیسیون در شمال همراه با ۴۰۰۰ سرباز خود به طالبان پیوست. اکثر نیروهایی که در تسخیر مزار شریف شرکت داشتند زیر کنترل عبدالملک بودند. همچنین گزارشات متعددی وجود دارد که در روز ۴ خرداد ماه رشید سالنگی از فرماندهان اپوزیسیون که کنترل تنگه سالنگ را در اختیار داشت به نیروهای طالبان پیوسته است.

● آخرین گزارشات رسیده حاکیست که مردم در مزار شریف دست به شورش علیه طالبان زده اند و ژنرال عبدالملک نیز به آنها پیوسته و طالبان مجبور به تخلیه شهر شده اند.

● نشانه هایی در دست است که در مبارزه طالبان علیه ژنرال دوستم، ترکمنستان مستقیماً به نیروهای بنیادگرایان ارتجاعی طالبان یاری داده است. ژنرال دوستم ترکمنستان را متهم کرد که به نیروهای طالبان اجازه داده است آزادانه از مرزهای این کشور وارد و خارج شوند. همچنین نیروهای طالبان مهمات مورد نیاز خود را از طریق شاهراه های ترکمنستان حمل می کردند.

ژنرال دوستم گفته است که نیروهای نظامی طالبان در یک عقب نشینی از درگیری با نیروهای تحت فرماندهی او در منطقه مرزی بادقیس، به ترکمنستان فرار کردند و سپس دوباره در یک بخش جنوبی مرز وارد منطقه تحت کنترل طالبان شدند. او مدارکی ارائه داد که بر طبق آن نیروهای طالبان از خاک ترکمنستان برای پیشروی به سوی

قلعه نو، مرکز بادقیس استفاده کرده اند. ترکمنستان روابط خوبی با طالبان دارد و از موفقیت بنیادگرایان ارتجاعی در افغانستان سود خواهد برد. در صورت توفیق طالبان خط لوله گازی که گاز طبیعی را از ترکمنستان از مسیر ایستگاه مرزی تورقوندی به پاکستان خواهد رساند، در امنیت خواهد بود و منابع مالی سرشاری را نصیب این کشور خواهد کرد. پاکستان و ایالات متحده در احداث این خط لوله گاز میلیاردها دلار سرمایه گذاری کرده اند. * - احمد شاه مسعود، فرمانده نظامی مجاهدین افغانستان و وزیر دفاع دولت ربانی در صدد تجدید سازمان وسیع نظامی - سیاسی - اجتماعی نیروهای وابسته به خود در مناطق تاجیک نشین شمال شرق افغانستان می باشد. او که نیروهایش در ۴ ایالت این منطقه مستقر است در ماههای اخیر برنامه ریزی های دقیقی را برای تدارک یک جنگ چریکی طولانی مدت علیه طالبان اتخاذ کرده است. احمد شاه مسعود دارای دو پایگاه موشکی زمین به زمین اسکاد-ب در دره پنج شیر در شمال شرق کابل می باشد.

کردستان در آتش و خون

بیش از ۵۰۰/۰۰۰ سرباز ترکیه تحت حمایت ستون های تانک، هلیکوپتر و هواپیماهای جنگنده ارتش مجهز این کشور در حرکت جدیدی برای نابود کردن چریک های حزب کارگران کردستان PKK به داخل کردستان عراق سرازیر شده اند. ترکیه در روز ۳۰ اردیبهشت اعلام کرد که کارزار نظامی علیه کردها در شمال عراق تشدید خواهد شد. بنگاه خبری آناتولی در روز ۳۰ اردیبهشت از قول منابع نظامی خبر داد که تاکنون بیش از ۱۳۰۰ مبارز کرد کشته و ۲۰۰ تن دیگر دستگیر شده اند. بنگاه خبری DEM که در آلمان مستقر است گزارش داد که نیروهای نظامی ترکیه نیز «تلفات سنگینی» داشته اند، از جمله ۱۲ سرباز توسط مین کشته شده اند.

وزیر دفاع ترکیه، ترهان تابان گفت «عملیات تا حصول نتیجه ادامه خواهد یافت»، در آنکارا دولت مدعی است که این عملیات را به در خواست مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکراتیک کردستان عراق و با موافقت سازمان های کرد عراقی که کنترل این بخش را در دست دارند، آغاز کرده است.

عراق از سازمان ملل خواسته است که به آنکارا فشار بیاورد در مورد «سیاست های تجاوزگرانه» خود در شمال عراق تجدید نظر کند. بریتانیا و فرانسه، متحدان ترکیه در پیمان تجاوزگر ناتو و همچنین اتحادیه اروپا از ترکیه خواستند که عملیات خود را در شمال عراق محدود کند و به حقوق بشر در داخل عراق احترام بگذارد.

تحریکات شوم امپریالیسم و صهیونیسم در خاورمیانه

۲۹، هواپیماهای جنگنده ای که هم سوریه و هم ایران از آن استفاده می کنند در رابطه با قابلیت های اف-۱۶ جنگنده هایی که نیروی هوایی ترکیه و اسرائیل به آن مجهز هستند، داده است. شواهد زیادی در دست است که محافل قدرتمند صهیونیستی در تدارک جنگ در منطقه هستند. طی اجلاسی در ۱۲ اردیبهشت در تل آویو که در آن رهبران نظامی اسرائیل شرکت داشتند، رییس ستاد ارتش اسرائیل، ژنرال امنون شاهاک و دیگر سران نظامی اسرائیل از یک «شکاف غیر قابل تحمل» در نیروی نظامی شکایت کردند و خواستار افزایش بودجه دفاعی به منظور اطمینان از آمادگی اسرائیل برای جنگ شدند. شاهاک گفت: «ایده آمادگی برای جنگ باید بطور مشخص تر مورد نظر باشد، حتی اگر ما اطلاعات دقیق در مورد مقاصد طرف دیگر نداریم». اهود برک، رییس قبلی ستاد ارتش و رهبر احتمالی آینده حزب کارگر اسرائیل در حمایت از نظرات ژنرال شاهاک می گوید: «ما ذخیره کافی اسلحه و مهمات نداریم. از همان لحظه ای که پروسه صلح متوقف شد، یک شمارش معکوس برای یک درگیری آغاز شد. هنگامی که دولت سیاست صلحی را پیش می برد، بودجه دفاعی با قبول ریسک های حساب شده ای می تواند کاهش یابد. ولی در وضعیت کنونی، ژنرال شاهاک درست می گوید که خواستار منابع مالی بیشتری باشد».

نتانیاهو نیز اخیراً در رابطه با تهدید منطقه ای علیه اسرائیل که گویا به سبب جریان اسلحه به سوریه و ایران به وجود آمده است اخطار کرد که اسرائیل آماده است که با آن «با تمام وسایل لازم» مقابله کند.

اظهارات نسنجیده و گاه تحریک آمیز رهبران جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود بهانه لازم را به چنین فعالیت های فشرده به قصد دست یابی به اهداف امپریالیسم و ارتجاع در منطقه فراهم می سازد. در تاریخ ۲ تا ۶ اردیبهشت ماه بزرگ ترین مانورهای نیروهای زمینی و دریایی-زمینی سپاه پاسداران رژیم در جریان بود. طبق گزارش رسانه های خبری رژیم در این عملیات که تحت نام تحریک آمیز «طریق القدس» صورت می گرفت بیش از ۲۰۰۰۰ تن از نیروهای سپاه پاسداران شرکت داشتند. تیمسار پاسدار رحیم صفوی، معاون سپاه پاسداران گفت که در این

در ۱۵ ماه گذشته بین اسرائیل و ترکیه در جریان بوده بار منطقه ای و استراتژیکی تصمیمات مشترک در رابطه با مانورهای نظامی آینده را افزایش می دهد. تحلیل گران مطلع معتقدند که هرچند اجلاس سه کشور عملاً در رابطه با طرح ریزی تمرینات دریایی مشترک تابستان آینده بود لیکن احتمال طرح اجرای مانورهای مشترک دیگری را بین سه کشور نباید از نظر دور داشت.

بر طبق توافق های سال گذشته اسرائیل و ترکیه نیروی هوایی دولت اسرائیل می تواند در جریان عملیات و تمرین های مشترک در حریم فضایی ترکیه عمل نماید. اسرائیل در تامین امنیت مرزی ترکیه در رابطه با جنگ بین دولت و چریک های سازمان کارگران کردستان PKK به این کشور کمک خواهد کرد. دو کشور همکاری اطلاعاتی نیز خواهند کرد.

آنچه نگران کننده است اظهارات جهت دار سردمداران اسرائیل و ترکیه و هماهنگی نزدیک آنها با ایالات متحده است. تایان، وزیر دفاع ترکیه روز ۱۳ اردیبهشت گفت: «ما جدا نگران کوشش هایی هستیم که در منطقه، به ویژه توسط سوریه و ایران، برای توسعه جنگ افزارهای شیمیایی و قابلیت های موشک های بالیستیکی شان انجام می شود». او همچنین گفت: «تروویسمی که متوجه ترکیه و اسرائیل است، از طرف سوریه و ایران حمایت می شود». ژنرال های ارتش ترکیه در یک جلسه که با حضور خبرنگاران در روز ۹ اردیبهشت ماه صورت گرفت خواستار تحریم علیه ایران و سوریه به جرم حمایت از تروویسم شدند. آنها متذکر شدند که اگر سیاست تحریم موثر نیافتاد (باید نیروی نظامی در نظر گرفته شود). ژنرال کیان و نیز فرمانده عملیات امنیت داخلی ارتش گفت: «نابود کردن بنیادگرایی اهمیت مرگ و زندگی دارد». این اظهارات در تطابق کامل با دکترین اعلام شده سیاست های اسرائیل و ایالات متحده قرار دارد. روزنامه حریت در روز ۱۶ اردیبهشت ماه گفت که هدف مانورهای دریایی و ارتباطات توسعه یافته نظامی ترکیه با اسرائیل ایجاد یک اتحاد سه گانه است که بتواند سرعاً در مقابل تهدیدات ایران و سوریه و نیز بحران در خلیج فارس عکس العمل نشان بدهد. این همگرایی کامل منافع ترکیه و اسرائیل، که نیرومندترین کشورهای منطقه از نظر نظامی هستند، نگرانی هایی را دامن می زند که با توجه به حمایت ایالات متحده، ائتلاف جدید متوجه محاصره و منزوی ساختن دو کشور سوریه و ایران است.

نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل در رابطه با بازدید تایان گفت که همکاری های نظامی بین اسرائیل و ترکیه باید به منظور مقابله با تهدیدات تروریستی و نیز تضمین ثبات منطقه افزایش یابد. نمونه های فزاینده چنین همکاری ها را از گزارش اخیر روزنامه حریت چاپ ترکیه می توان دریافت. حریت گزارش داد که اسرائیل اطلاعات دقیقی را در مورد قابلیت های عملیاتی میک

زنجیره پیوسته یک سری تحولات و تصمیم گیری ها در خاورمیانه و خلیج فارس در طول چند هفته گذشته نگرانی عمیق همه طرفداران صلح در جهان و استقلال کشورها در تدوین سیاست های پیشرفت اجتماعی برای مردم خود را دامن زده است. اظهارات ماجراجویانه عالی ترین مقامات نظامی-سیاسی کشورهای ترکیه، اسرائیل و ایالات متحده را اگر در کنار پرگویی های غیر مسؤولانه رهبران جمهوری اسلامی بگذاریم، می تواند هر میهن پرست صلح جویی را نگران کند. از آنجا که پروسه صلح خاورمیانه به دلیل سیاست های صهیونیستی دولت حاکم بر تل آویو به بن بست رسیده و ادامه وجود نقاط بحران خیز در خلیج فارس و در منطقه در همسایگی کشورمان این خطر جدی را به وجود آورده است که طراحان «نظم نوین جهانی»، در صدد اجرای مرحله بعدی شکل دمی به جغرافیای سیاسی خاورمیانه برآیند. سفرهای متناوب رهبران نظامی ترکیه و اسرائیل در دو ماه گذشته حاکی از تدارکاتی در رابطه با اوضاع منطقه می باشد. ژنرال ترهان تایان، وزیر دفاع ترکیه در اوایل اردیبهشت از اسرائیل بازدید و ضمن انعقاد برخی قراردادهای تسلیحاتی مذاکراتی با رهبران درجه اول اسرائیلی داشت. قبل از آن ژنرال اسماعیل حنی گریادی، رییس ستاد ارتش ترکیه در ماه فوریه از اسرائیل بازدید کرده بود. در ماه آوریل دیوید لوی، وزیر خارجه اسرائیل در آنکارا به گفتگو با سران ترکیه عضو ناتو پرداخت و در هفته های آینده نیز موردخای، وزیر دفاع اسرائیل در دیداری رسمی از آنکارا به تدقیق طرح های همکاری تسلیحاتی دو طرف خواهد پرداخت.

مقامات رسمی نظامی ایالات متحده آمریکا، در اواسط اردیبهشت ماه، در ملاقاتی با عالی ترین رهبران نظامی اسرائیل، متحد استراتژیک ایالات متحده در منطقه، و ترکیه عضو ناتو، طرح ریزی مانورهای دریایی مشترکی را در مدیترانه شرقی آغاز کردند. در این اجلاس ژنرال چویک بیر معاون رییس ستاد ارتش ترکیه، اسحاق موردخای وزیر دفاع اسرائیل و افسران عالی رتبه ارتش ایالات متحده شرکت داشتند. بسیاری از تحلیل گران آگاه معتقدند که این اجلاس شروع عملی اتحاد استراتژیکی بین این سه کشور برای حصول به اهدافی است که از مدتها پیش مطرح بوده است.

یکی از اهداف اصلی این اتحاد استراتژیکی می تواند متوجه فشار به کشورهای عربی منجمه سوریه به قبول فرمول های مورد نظر امپریالیسم در جریان روند صلح خاورمیانه و دست شستن از برخی پیش شرط ها باشد. هدف دیگر مثلث امپریالیستی-صهیونیستی فشار به جمهوری اسلامی ایران و وادار کردن آن به اتخاذ سیاست منعطفی در قبال کشورهای حوزه خلیج فارس و نیز در قبال پروسه صلح می باشد. در چنین شرایطی اجلاس ۱۵ اردیبهشت در تل آویو در جو تشنج آفرین اعلام خطرهای تشدید یافته اسرائیل مبنی بر تهدیدات نظامی جدید از سوی سوریه و ایران علیه این کشور و نیز بن بست پروسه صلح اهمیت به سزایی می یابد. شرکت ایالات متحده برای اولین بار در مذاکراتی که

ادامه در صفحه ۳

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:507

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

3 June 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴ ۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک